نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱
پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰
صفحات: ۴۸-۳۵
10.52547/mmi.668.1

مقایسهٔ تطبیقی رویکردهای طراحیِ میان‌بافت تاریخی در راهنماها و دستورالعمل‌های طراحی ملّی و منطقه‌ای*

ایلقار اردبیلچی** سعید حقیر*** حامد مظاهریان**** سعید خاقانی*****

چکیده

حفاظت از بافت تاریخی با افزودنِ ساختارهای جدید به آن، در اکثر مواقع با ارجاع به اسنادِ سازمان‌های بین‌المللی، مطالعه و انجام می‌شود. درحالی‌که این اسناد، بیشتر اصول کلّی را مطرح کرده‌اند. این، راهنماهای طراحیِ ملّی و منطقه‌ای هستند که دقیق‌تر و مبتنی‌بر شرایط موجود، رویکردهای مطرح در اسناد بین‌المللی را بسط می‌دهند. ازاین‌رو، بررسی آن‌ها هم اهمیّت دارد؛ مطالعه‌ای که تابه‌حال صورت نگرفته است. پژوهش حاضر، به دنبالِ صورت‌بندیِ مواضع پیشنهادی در راهنماهای ملّی و منطقه‌ای، در قالب رویکردهای طراحی، از چیستی‌شان سؤال می‌پرسد. پس داده‌های مورد نیاز با مطالعهٔ اسناد مرتبط، گردآوری و براساس ساختارِ یک رویکردِ طراحی در سه سطح نگرش، راهبرد و روش، کدگذاری و بر مبنای مقایسهٔ تطبیقی، رویکردهای پیشنهادشده، توصیف شدند. نتایج نشان می‌دهد که در رویکرد طراحی پیشنهادی، نگرش مبنا، سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاریِ بافت تاریخی است. متأثر از این نگرش، برای حفاظت از سندیّت بافت، اجتناب از تغییر و درعین‌حال برای دوام آن به‌عنوان بافت شهری، ایجاد تغییر ضروری است. به‌منظور طرحِ توأمان‌شان، در سطح راهبرد به مدیریت تغییر با ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی توصیه شده است؛ یعنی نوعی کل‌گرایی. بنابراین، روش طراحی پیشنهادی هم طرحی هماهنگ با بافت تاریخی است که امکان بیان‌های نوآورانه در آن به شرط سازگاری و هماهنگی وجود دارد. در این میان، چهار سند معماری در زمینهٔ؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی (۲۰۰۱)، به‌سوی شهر عالی در طراحی شهری و حفاظت (۲۰۰۲) و راهنمای طراحی در میراث (۲۰۱۹) این موضع‌گیری را مشروط به شرایط تعریف و توصیه می‌کنند. برای برخی از بافت‌های تاریخی بهتر است قائل به اولویت سندانگاری بر بافت‌شهری‌انگاری و در نتیجه، ارجحیّت اجتناب از تغییر بر تغییر بود. در چنین حالتی نیز، طرحی همانند بافت تاریخی گزینهٔ بهتری برای طراحی در بافت تاریخی است.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، رویکرد طراحی، راهنماهای طراحی و دستورالعمل‌های طراحی ملّی و منطقه‌ای.

---

* این مقاله، برگرفته از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول با عنوان "معاصرسازی: تبیین دیالوژیکْ بر مبنای نظریهٔ تضاد و تکاملِ معماری معاصر و بافت تاریخی" است که به راهنماییِ نویسندگان دوم و سوم و مشاورهٔ نویسندهٔ چهارم در دانشگاه تهران درحال تألیف می‌باشد که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و به مشاوره نویسنده چهارم در بهمن ماه ۱۴۰۵ش در دانشگاه تهران دفاع شد.

** دکتری معماری، گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
*** دانشیار، گروه معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Saeed.haghir@ut.ac.ir
***** دانشیار، گروه معماری (گروه منظر نیستن)، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
***** استادیار، گروه مرمت، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

Received: 2023/05/21
Accepted: 2024/10/21

Comparative Comparison of Historical Nonwoven Design Approaches in National and Regional Design Guidelines and Guidelines*

Ilqar Ardabilchi** **Saeed Haghir***** **Hamed Mazaherian****** **Saeed Khaghani*******

Abstract

Preservation of the historical context by adding new structures to it is studied and carried out, in most cases, with reference to the documents of international organizations. While these documents have mostly proposed general principles. These are national and regional design guidelines that develop the approaches proposed in international documents in a more detailed manner and based on existing conditions. Therefore, their examination is also important; a study that has not been carried out so far. The present study, following the formulation of the proposed positions in national and regional guidelines, asks what they are in the form of design approaches. Then, the required data were collected by studying the relevant documents and, based on the structure of the design approach at three levels of attitude, strategy and method, coded and, based on comparative comparison, the proposed approaches were described. The results show that in the proposed design approach, the basic attitude is the documentation and urban texture of the historical texture. Influenced by this attitude, in order to protect the documentation of the texture, it is necessary to avoid change and at the same time, for its sustainability as an urban texture, it is necessary to create change. In order to design them together, at the strategy level, change management with reference to the characteristics of the historical texture is recommended; that is, a kind of holism. Therefore, the proposed design method is also a design that is in harmony with the historical texture, in which there is the possibility of innovative expression provided that there is compatibility and harmony. In the meantime, four architectural documents in the field; New Development in Historic Areas (2001), Towards a City of Excellence in Urban Design and Conservation (2002), and Design Guide for Heritage (2019) define and recommend this approach subject to conditions. For some historic contexts, it is better to prioritize documentation over urban design, and consequently, to avoid change over change. In such cases, a design similar to the historic context is a better option for designing in a historic context.

Keywords: historic context, design approach, design guidelines, and national and regional design codes of practice.

---

* This article is taken from the first author's doctoral dissertation entitled "Contemporization: An Explanation of a Dialogue Based on the Theory of Contrast and Evolution of Contemporary Architecture and Historical Context", which is being written at the University of Tehran under the guidance of the second and third authors and the fourth author's advisor.

** PhD student in Architecture, Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran.

*** Associate Professor, Department of Landscape Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran (Corresponding author). *Saeed.haghir@ut.ac.ir*

***** Associate Professor, Department of Architecture, Landscape, College of Fine Arts, University of Tehran.

***** Assistant Professor, Department of Restoration, College of Fine Arts, University of Tehran.

مقدمه

نظریه‌های طراحیِ معماری معاصر در بافت تاریخی در منشورها، توصیه‌نامه‌ها، بیانیّه‌ها و کنوانسیون‌های تدوین‌شده ازسوی سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه یونسکو و ایکوموس، برخاسته از ضرورت طرح موضوع در این سطح، بیشتر انتزاعی هستند و کمتر به جزئیات می‌پردازند (اردبیلچی و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۳-۷۶). این، دستورالعمل‌ها و راهنماهای طراحی هستند که مبتنی‌بر اسناد بین‌المللی و باتوجّه‌به شرایط بافت‌های تاریخی در سطح ملّی یا منطقه‌ای و امکانات و محدودیّت‌های موجود، چگونگیِ این‌دست از طراحی‌ها را دقیق‌تر مطرح کرده‌اند. به‌علاوه، این راهنماها و دستورالعمل‌ها بخشی از بدنهٔ دانشِ این موضوع را هم شکل می‌دهند. ازاین‌رو، بررسی آن‌ها برای دستیابی به تصویری دقیق‌تر از رویکردهای طراحی، مهم و مفید است؛ بررسی‌ای که تابه‌حال به‌خوبی به آن پرداخته نشده است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف صورت‌بندیِ رویکردهای طراحی در سطح سازمان‌های ملّی و منطقه‌ای، به‌منظور ترسیمِ دقیق‌ترِ آن، مواضع پیشنهادی در دستورالعمل‌ها و راهنماهای طراحی را پیگیری می‌کند. به بیان دقیق‌تر، توصیف رویکردهای مطرح و توضیح آن‌ها، یا چیستی و چرایی‌شان، را مدّ نظر دارد.

روش پژوهش

به‌منظور توصیف و توضیحِ مواضع مطرح در راهنماها و دستورالعمل‌های ملّی و منطقه‌ای در قالب رویکردهای طراحی، داده‌های مورد نیاز با مطالعهٔ اسناد در دسترسِ نگارندگان، گردآوری سپس به‌منظور سازمان‌دهی و تلخیص، براساس مضمون و ساختار رویکرد در سه سطح نگرش، راهبرد و روش، کدگذاری می‌شوند. این کار با تخصیص واحدهای معنایی به اطلاعات توصیفیِ گردآوری‌شده در خلال مطالعه، بستر مناسبی را برای جست‌وجوی الگوهای مکرّرِ موجود فراهم می‌کند که شناساییِ آن‌ها نقش مهمی در تفسیر نگرش‌ها و روش‌های مطرح، ورای توصیف صرفِ آن‌ها، ایفا می‌کند؛ چراکه این الگوها، درواقع، ارتباط میان کدها را آشکار می‌کنند. ولی، ازجایی‌که این مضامین و بالتبع کدهای معادل‌شان وابسته به شرایط زمانی هستند، نظریهٔ غالب حفاظت شهری براساس تقسیم‌بندیِ بحرینی و دیگران (۱۳۹۳) در زمان تدوین سند هم در بررسی‌ها منظور می‌شود. این نظریه، معرف فضایی کلّی است که رویکرد مزبور ذیل آن شکل گرفته است. برای دستیابی به تصویری کلّی از آن در این بخش از ادبیات موضوع، و توصیف و توضیح ساختار آن، کدهای اسناد در هر سطح با هم مقایسه می‌شوند. این مقایسهٔ تطبیقی گروه‌بندیِ مواضع مشابه را برمبنای نقاط اشتراک و تفکیک آن‌ها را برمبنای تفاوت‌ها ممکن می‌کند. همچنین، از این راه، ارتباط میان سطوح نگرش، راهبرد و روش بر مبنای مدل روش‌شناسی گروت (۲۰۱۳) که در بررسی چراییِ توصیه به موضعی مشخص، اهمیّت دارد، قابل پیگیری می‌شود. در این مدل، روش، به‌طورکلّی تابع بنیان‌های فلسفی است. بنیان فلسفی خود مشتمل بر سامانهٔ پژوهش و راهبرد است و همچون روش، راهبرد نیز تابع سامانه است (گروت و وانگ، ۲۰۱۳: ۱۰). بر این مبنا و متناسب با ساختار رویکرد طراحی، در این پژوهش، روش و راهبرد به همان شکل و سامانهٔ پژوهش با نگرش جایگزین شد.

بنابراین با دستیابی به رویکرد هر سند، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با مقایسهٔ تطبیقی، رویکردها، گروه‌بندی و بر مبنای مدل گروت ساختارشان توضیح داده می‌شوند. به بیان دیگر، این‌چنین چیستی رویکردهای طراحی و ساختارشان توصیف و چرایی‌شان هم توضیح داده می‌شود و این کار، تصویری را که در اسناد تدوین‌شده ازسوی سازمان‌های ملّی و منطقه‌ای ارائه شده است، مشخص می‌کند.

پیشینه پژوهش

مطالعهٔ کتاب‌شناسی تشریحی؛ معماری معاصر در محیط تاریخی (۲۰۱۵) از معدود مطالعاتی است که به طرح سیاست‌گذاری سازمان‌های بین‌المللی در سطح ملّی و دستورالعمل‌های طراحیِ تدوین‌شده ازسوی نهادهای ملّیِ نیوزلند، ایرلند و انگلستان و صرفاً توصیف آن‌ها در قالب اصول طراحی پرداخته است. این کتاب‌شناسی، هم‌چنین، راهنماهای طراحی کشورهای استرالیا، برزیل، کانادا، سنگاپور و امریکا را در قالب فهرست ارائه داده است. نقوی (۱۳۹۸) نیز، با هدف دستیابی به انواع زمینه در رویکرد زمینه‌گرایی، معاهده‌های مرتبط را از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۷ در ایران مورد بررسی قرار داده است. در این اثر به مطالعهٔ اسناد ملّی یا منطقه‌ای سایر کشورها پرداخته نشده است. بنابراین در حالت کلّی، در هیچ دو مطالعهٔ مرتبطِ انجام‌شده، به مواضع سازمان‌های ملّی و منطقه‌ای در قالب رویکردهای طراحی معماری معاصر در بافت تاریخی پرداخته نشده است.

مفادِ راهنماها و دستورالعمل‌های ملّی و منطقه‌ای در مورد طرح معماری معاصر در بافت تاریخی

نوشتارهای منتشرشدهٔ در دسترس نگارندگان در سطح اسناد ملّی منحصر به انگلستان؛ دو سازمان میراث انگلیس[1] و

کمیتهٔ معماری و محیط‌های ساخته‌شده[۲] و اسکاتلند؛ سازمان میراث تاریخی اسکاتلند،[۳] ایرلند، دپارتمان هنر و میراث دولت ایرلند هستند.

نوشتار معماری در زمینهٔ؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی که ازسوی میراث انگلیس و کمیتهٔ معماری و محیط‌های ساخته‌شده (۲۰۰۱) تدوین شده، بیشتر معطوف به سطح عملیّاتی است؛ چراکه هدف از تدوین آن، ایجاد استانداردهای طراحی در زمان توسعه در زمینه‌های تاریخی است. در این سند چگونگی تعیین منظور از تناسب، مورد بحث و جدل است. تا پیش از این برخاسته از الگوی توسعهٔ ارگانیک، به‌دلیل تغییرات آرام در روش‌های ساخت، مصالح و مقیاس در طول سده‌ها، اثر افزوده‌شده با بافت هماهنگ بود. ولی امروزه این سیر دچار تغییر شده و چالش‌هایی را با خود به همراه آورده است. پاسخ‌ها به این چالش در یک طیف، قابل طرح هستند که در یک سویِ آن، پاسخ‌هایی قرار دارند که در آن‌ها این خواسته مطرح شده است؛ شکافی کامل با گذشته ازنظرِ مقیاس، مصالح و روش‌اند. آن‌ها باور دارند که توسعه‌های جدید باید زمانهٔ خود را بازنمود کنند و از هرگونه الزام به توجّه داشتن به زمینه مبرا باشند. در سوی دیگر آن‌هایی هستند که به هر بهایی خواهان حفاظت‌اند و باور دارند آنچه مهم است حفاظت از کاراکتر بافت تاریخی در هر حالت است. این دیدگاه، منجر به تقلید از بناهای تاریخی و تقابل با توسعه شده است. موضع پیشین اغلب به توصیه به توسعه‌هایی منتهی می‌شود که هیچ توجهی به زمینه ندارند ولی آن را غنی می‌کنند. موضع دوم، منتهی به طرح‌هایی با بازتاب سطحی ویژگی‌های تاریخی می‌شود که تا حدّ توان کاراکتر بافت را عیان می‌کند.

در این میان، این نوشتار باور دارد که درحال‌حاضر، توسعه در بافت‌های تاریخی ملزم به حفاظت یا ارتقای کاراکتر آن‌هاست و رویکرد صحیح را در آزمون زمینه برای طرح پیشنهادی می‌داند. به‌عبارت‌دیگر، معتقد است هیچ رویکردِ مطلقاً صحیحی وجود ندارد ولی یک طرح موفق، به‌خوبی در ارتباط با تاریخ و جغرافیای بافت تاریخی است، به‌خوبی در الگوهای موجود توسعه قرار می‌گیرد، به دیدهای مهم و مقیاس بناهای همسایه احترام می‌گذارد، مصالح و روش‌های ساخت باکیفیت را به کار می‌بندد؛ به همان اندازه که تابع بناهای اطراف است، دیدها و ترکیب‌های جدیدی ایجاد می‌کند که بر تنوع بافت می‌افزاید.

این دو سازمان در نوشتارِ به‌سوی شهری برتر در طراحی شهری و حفاظت (۲۰۰۱) نیز اشاره می‌کنند؛ محیط‌های تاریخی سرمایه‌ای باارزش هستند که باید برای نسل‌های آینده حفظ شوند. بااین‌وجود، اضافه می‌کند این به معنای ضرورت عدم تغییر در آن‌ها نیست. حفاظت درست، ضامن ادامهٔ ارتباط بناهای مهم با عصر معاصر است و طراحیِ شهریِ خوب از گذشته می‌آموزد و در سیاست‌گذاری‌ها و پیشنهادها برای بناهای جدید به آن احترام می‌گذارد. دراین‌راستا موضوعات اصلی که باید مدّ نظر قرار گیرند، از این قرارند: پایداری، اختلاط کاربری و تراکم، کیفیّت طرح؛ که ضمن احترام به زمینه، رابطه‌ای سازنده با آن برقرار می‌کند، شناخت زندگیِ هرروزه، خدمات مراقبتی،[۴] انسجام؛ به معنای ادغام طراحی شهری و حفاظت، مهارت و منابع موجود و تقویت آن‌ها، سرعت و خلاقیّت؛ به این معنا که از بافت آموخته ولی از آن تقلید نشود، و در نهایت مشارکت (همان: ۲-۳).

در نوشتارِ سیاست‌ها و راهنمای اصول حفاظت؛ برای مدیریت پایدارِ محیط‌های تاریخی ازسوی سازمان میراث انگلیس (۲۰۱۵) آمده است که «مردم ممکن است به یک مکان به دلایلی ورای کاربست آن یا تعلّق خاطر شخصی ارزش قائل شوند. [مثلاً] برای معماری یا منظرِ منحصربه‌فردش، داستانی که می‌تواند در مورد گذشته تعریف کند، ارتباطاش با افراد یا رخدادهای مهم، شکل زمین آن، گیاهان یا حیواناتش؛ چراکه آن‌ها را زیبا و روح‌بخش می‌یابند، یا به‌دلیل نقش آن به‌عنوان نقطهٔ تمرکز یک جامعه به آن ارزش قائل شوند.» (۲۰۱۵: ۲۷). دراین‌راستا، این نوشته چهار نوع ارزشِ محیط تاریخی را به شرح ارزش‌های اسنادی،[۵] تاریخی،[۶] زیباشناختی[۷] و جمعی[۸] تفکیک می‌کند. ارزش‌های اسنادی برخاسته از توانایی‌های بالقوهٔ یک مکان به‌منظور ارائه شاهدی برای کنش‌های انسانِ گذشته‌اند. بقایای کالبدیِ کنش‌های انسان پیشین، منبع اصلی یک سند در مورد محتوا و تکامل مکان‌های تاریخی، مردم و فرهنگ‌هایی است که به آن شکل داده‌اند. توانایی درک و تفسیر ارزش‌های اسنادی متناسب با شدّت حذف یا تعویض در آن‌ها کاسته می‌شود. ارزش‌های تاریخی ناشی از افراد، رخدادها و جنبه‌هایی از زندگی گذشته هستند که می‌توان از طریق آن‌ها یک مکان را به زمان حال مرتبط کرد. ارزش‌های زیباشناختی برخاسته از فرایندهای تحریکات حسّی و فکری از یک مکان هستند و می‌توانند حاصل طراحیِ آگاهانهٔ یک مکان یا فرایندی در ظاهر تصادفی باشند. طیّ این فرایند یک مکان در طول زمان، تکامل یافته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع از ارزش‌ها مختص یک زمان و زمینهٔ فرهنگی هستند ولی ستایش آن‌ها منحصر به فرهنگ خاصّی نیست. درحالی‌که ارزش‌های زیباشناختی می‌توانند با ارزش اقتصادی یک مکان مرتبط باشند، ممکن است قابل بازسازی یا ارتقا نیز باشند. ارزش‌های جمعی از معانیِ یک مکان برای افرادی که با آن در

ارتباط هستند یا برای کسانی که در تجربه یا خاطرهٔ جمعی آن‌ها نقش می‌بندند، ناشی می‌شوند. ارزش‌های جمعی در مکان‌هایی شکل می‌گیرند که مردم آنجا را به‌مثابهٔ منبع هویّت، تمایز، تعامل اجتماعی و انسجام درک می‌کنند. همچنین، ممکن است به‌دلیل فعالیّتی شکل بگیرند که به مکان مرتبط است و نه به کالبد آن. این نوع از ارزش‌ها پیوند نزدیکی با ارزش‌های زیباشناختی و تاریخی دارند ولی در مقایسه با آن‌ها کمتر به بقای بافت تاریخی وابسته هستند. آن‌ها ممکن است حتّی با جایگزینیِ ساختار فیزیکی اولیّه، تا زمانی که ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مهم حفظ شوند، جان سالم به در ببرند (همان: ۳۲-۲۸).

با این فرض، در این نوشتار، فرایند حفاظت، فرایندی دانسته می‌شود که تغییر را در یک مکان باارزش، درون بسترش، مدیریت کند تا ارزش‌های میراث را پایدار، آشکار و تقویت کرده باشد. براین‌اساس، تغییر اجتناب‌ناپذیر دانسته شده و می‌تواند در ارتباط با حفاظت از ارزش‌ها مخرّب، بی‌اثر یا سودمند باشد. بااین‌وجود، این سازمان تأکید می‌کند که تعداد بسیار کمی از مکان‌های باارزش وجود دارند که می‌توانند بدون تأمینِ دائمیِ برخی کاربری‌های سودمند، دوام یابند. در این راستا، نگهداشت یک مکان باارزش در وضعیّت کارکردی به‌احتمال بسیار نیازمند تغییرات و تطبیق‌های دائمی است که ازسوی کارفرمایان پیشین، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و کارهای نسل‌های قبلی انجام شده و بر ارزش آن افزوده است. به همین دلیل است که بسیاری از محیط‌های تاریخی مهم امروزه وجود دارند. ازاین‌رو، صاحبان و مدیران مکان‌های باارزش نباید از افزودن لایه‌های ارزشی جدید اجتناب کرده و ناامید شوند (میراث انگلیس، ۲۰۱۵: ۴۴-۴۳).

به‌علاوه، این نوشتار توصیه می‌کند باید پذیرفت که حفاظت از ارزش‌های اسنادی و تاریخی و برخی از ارزش‌های زیباشناختی منوط به بقای بافت با ایجاد حدّی از تغییرات است که امکان انتقال از گذشته به حال را یافته‌اند. ولی در این میان، اصالت متکّی بر هر آن چیزی است که به صادقانه‌ترین شکل، ارزش‌های مکان را بازنمود و مجسّم می‌کند. در نتیجه اصالت می‌تواند مربوط به طرح و عملکرد نیز باشد. ازاین‌رو برای حفظ اصالت لازم است هر تغییری در یک مکانِ باارزش قابل تمایز باشد که شدّت آن باتوجّه‌به ارزش‌های زیباشناختی قابل پیگیری است (همان: ۴۵).

براین‌اساس، اثر جدید با ایجاد تغییر در یک مکانِ باارزش در حالت معمول می‌تواند مقبول باشد اگر: الف) اطلاعات کافی به‌طور جامع برای درک اثرات طرح پیشنهادی بر ارزش مکان تهیّه شود. ب) ازنظرِ مواد و مصالح، طرح پیشنهادی به ارزش‌ها آسیب نرساند و تا حد ممکن آن‌ها را آشکار یا تقویت کند. ج) طرح سطحی از کیفیّت را دارا باشد که در حال و آینده ارزشمند تلقی شود. لازم به ذکر است که طبق این نوشتار، هیچ قاعدهٔ ساده‌ای برای دستیابی به کیفیّت طراحی در آثار جدید وجود ندارد، بااین‌وجود، رابطهٔ واضح و کلّی میانِ بستری که اثر در آن قرار خواهد گرفت و خود اثر، یک ضرورت است. البته این به معنای طراحی به روش‌های سنّتی یا مدرن نیست ولی نشان‌دهندهٔ الزام احترام به ارزش‌ها می‌باشد. در ادامه و در نهایت لازم است: د) پیامدهای طولانی‌مدّت طرح، به‌منظور بی‌ضررسازی مشخص شوند یا طرحی ارائه شود که امکان تغییر در آینده را از بین نبرد (همان: ۵۹-۵۸).

بنابراین مجالی برای نوآوری هست. نوآوری برای دوام ارزش‌های فرهنگی در محیط‌های تاریخی برای نسل حاضر و آینده ضروری است ولی نباید به بهای ارزش‌های قدیمی حاصل شود. باید پذیرفت که هرچه ارزش‌های میراث بیشتر باشد، فرصت برای نوآوری و بالتبع تغییر کمتر است ولی نباید فراموش کرد که اماکنی که تا بدین حدّ حساس‌اند، اندک هستند (همان).

بنای جدید در بستر تاریخی، منتشرشده ازسوی سازمان میراث تاریخی اسکاتلند (۲۰۱۰)، نیز با هدف کاوش در مورد چگونگیِ دستیابی به طرحی خوب در زمینهٔ تاریخی نگاشته شده است و تأکید می‌کند که یک جواب یا رویکرد خوب وجود ندارد ولی فرایندی قابل طرح است که احتمال موفقیّت را می‌تواند افزایش دهد. در این فرایند، موضع اصلی این است که محیط تاریخی سرمایه‌ای است که باید از آن حفاظت شود ولی می‌توان به ارزش‌های فرهنگی و اقتصادیِ آن افزود. براین‌اساس، معرفیِ یک بنای جدید موفق می‌تواند بستر تاریخی را بهبود دهد، میراثی برای نسل‌های آینده باشد و باعث تداوم حس مکان شود (۲۰۱۰: ۳ و ۵). این نوشتار، به‌وضوح، مهارت طراح را در مرکز قرار می‌دهد و باور دارد که مداخلات جدید الزاماً نباید تاریخی دیده شوند تا ارتباطی هماهنگ با اطراف داشته باشند و تأکید دارد که برخی از بهترین نمونه‌ها طرحی معاصر دارند. این نمونه‌ها می‌توانند صداقت و اعتمادبه‌نفس معماری مدرن را برای نسل‌های آینده نشان دهند ولی بنای مدرنی که به بستر خود بی‌توجهی کند به‌احتمال زیاد هم در حال و هم در آینده ناموفق است. بنابراین بدون تحقیر خلاقیّت طراح، چند اصل کلّی را پیشنهاد می‌کند که به‌تنهایی کیفیّت را تضمین نمی‌کند. این اصول شامل پاسخ به ساختار شهر، الگوی شهر، تراکم و اختلاط کاربری شهر، مقیاس، مصالح و جزئیات، منظر، دیدها و نشان‌های شهری و توسعه‌های تاریخی است (همان: ۷).

در نوشتارِ حفاظت از میراث معماری؛ راهنمایی برای برنامه‌دهی، تدوین‌شده ازسویِ دپارتمان هنر و میراثِ دولت ایرلند، نیز، با عطف به ضرورت توجّه به اهداف حفاظت در طرح‌های توسعه، حمایت و حفاظت از مناطق تاریخی و توسعهٔ پایدار در این مناطق (۲۰۱۱: ۱۶)، آمده است طرح بنای جدید باید کنترل شود (همان: ۵۱). بدین منظور توصیه می‌کند در یک منطقهٔ حفاظت‌شده تنها توسعه‌هایی مجاز هستند که ازنظرِ مصالح و ماده بر کاراکتر بافت اثرگذار نباشند. عملکردهای جدید نیز تا زمانی که به کاراکتر بافت آسیب نزنند و در هماهنگی با آن باشند، مقبول‌اند. همچنین اثر باید در تداومِ نمود منطقه باشد و در حالت کلّی، به حداقل رساندن تأثیر بصریِ ساختار پیشنهادی بر بسترش ارجحیّت دارد. هرچه هم‌شکلی با بستر بیشتر باشد از نظر هماهنگی طرح با آن مطلوب‌تر است. بااین‌حال، تقلید فقط اگر ضروری باشد، مجاز است. مقیاس طرح نیز باید مناسب با مقیاس کلّی منطقه و نه بلندترین بنای آن باشد. پالت رنگی مصالح و جزئیات تکرارشونده در نما و سایر سطوح نیز، باید تقویت شوند (همان: ۵۱ و ۵۲).

رویکردی مشابه را می‌توان در مصوبهٔ شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص محدودهٔ تاریخی و تعیین رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی- فرهنگی (۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶) نیز دید. در این سند آمده است که «محدوده‌های تاریخی- فرهنگی به بخش یا بخش‌هایی از شهر اطلاق می‌شوند که منعکس‌کنندهٔ ارزش‌های تاریخی- فرهنگی شهر بوده و شکل آن‌ها، حاصل تعامل مکان (جغرافیا و بوم)، زمان (تاریخ) و باور (اعتقادات) در رابطه با انسان در یک پهنه زیستی در طول تاریخ می‌باشد.» (همان: مقدمه). ازاین‌رو توصیه می‌شود «... پرداختن به موضوع حفاظت و احیای این پهنه‌های ارزشمند، باید با رویکردی جامع‌نگر در مقیاس شهر و سرزمین پیرامونی مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد بایستی متضمن تقویت و استمرار رابطه همه‌جانبه محدوده‌ها با کل شهر باشد.» و « [از جایی که] محدوده‌های تاریخی- فرهنگی شهرها، مجموعه‌ای یکپارچه است که هرگونه مداخله در آن، به‌ویژه مداخله کالبدی ازجمله تخریب بناها، تعریض گذرها، افزایش ارتفاع، افزایش تراکم جمعیتی و ... وحدت آن را مخدوش و موجب از میان رفتن هویت و شواهد ناظر بر ارزش‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بوده و امکان بازشناسی ارزش‌های نهفته آن را از میان خواهد برد.» (همان: بند ۴ و ۷).

نوشتارهای منتشرشدهٔ و در دسترس نگارندگان در سطح منطقه‌ای منحصر به دفتر میراث نیوولز جنوبی،[۹] انستیتوی سلطنتی معماران[۱۰] و سازمان مرمت اورگان[۱۱] است.

در نوشتارِ طراحی در زمینه؛ راهنمای توسعهٔ میان‌افزا در محیط تاریخی که ازسویِ دفتر میراث نیوولز جنوبی و انستیتوی سلطنتی معماران (۲۰۰۵) تدوین شده، آمده است که جلوگیری از توسعه در مناطق تاریخی به‌منظور حفاظت از آن‌ها ضروری نیست و هر نسل اثر خود را بر محیط‌های تاریخیِ دائماً درحال تغییر به روش خود می‌گذارد. در این میان، معماران و طراحان نقش مهمی در کیفیت این تغییر دارند و در قبال نسل‌های آینده برای تضمین غنا و نه کاستن از آن، مسئول‌اند. در این مسیر، یکی از کارهای مهم، درک زمینه و پاسخ به آن است. همان‌طور که میراث تاریخی پاسخی به محیط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فیزیکی دوران خود بودند، توسعه‌های جدید هم باید پاسخ زمان خود باشند. همچنین، بناهای میان‌افزا باید در تداوم فرم‌های ساخته‌شده باشند نه در پی ایجاد بنایی آیکونیک. البته این را نباید به معنای تقلید مستقیم در طرح بنای میان‌افزا دانست. ازآنجاکه هر مکان راه‌حل مختص خود را دارد، برخی طراحان می‌توانند رویکرد سنّتی‌تر یا بومی‌تر را اتخّاذ کنند. همچنین می‌توانند در جست‌وجوی راه‌حل معاصرتری هم باشند. درهرحال، هر دو رویکرد به یک اندازه باارزش‌اند. بنابراین با تعیین این استاندارد باید مشوق بناهای جدیدی بود که نسل آینده بتوانند آن را به‌عنوان میراث نسل حاضر تحسین کنند (۲۰۰۵: ۳-۲).

دراین‌راستا این سند شش معیار طراحی را تعریف کرده است که شامل کاراکتر، فرم، مکان‌گزینی،[۱۲] مصالح و رنگ و جزئیات می‌باشد. کاراکتر شامل تپوگرافی سایت و اطراف آن، عناصر و کیفیّت مناظر شاخص، خیابان‌ها و الگوی معابر فرعی، تاریخ و سبک ابنیه، شاخصه‌های بستر و منظر، دیدها و چشم‌اندازها، خطّ آسمان، فرهنگ محلّی و سنّت‌ها، کارکردها، و تداوم یا تکرار هریک از عوامل بالا است. مقیاس اشاره می‌کند به: مقیاس بناها، ارتفاع دیواره‌ها، توده،[۱۳] تراکم، الگوی چینش بناها و ابعاد آن‌ها، تناسبات، ریتم بناها و مناظر، ارتفاع کف تا کف، ارتباط با زمین و خیابان، مدول‌بندی دیواره‌ها، بازشوها، خط بام و انتقال میان ارتفاع‌های متفاوت. فرم ارجاع می‌دهد به: فرم غالب بناهای هم‌جوار، فرم سقف و خط آسمان، خطوط پیش‌آمدهٔ بام، جان‌پناه‌ها، شیب سقف، دودکش‌ها، فانوس‌ها یا نورگیرها، تناسب و تعداد گشودگی‌ها، نسبت فضاهای پر و خالی، رابطهٔ میان درون و بیرون. مکان‌گزینی شامل شکستگی‌ها در جداره، جهت‌گیری بناها، موقعیّت و ابعاد معابر و گاراژها و راهبردهای طراحی برای کاهش تأثیر بصری و فیزیکی آن‌ها بر منظرهٔ خیابان، حفظ دیدها به مناظر، حفظ ویژگی‌های مهم طبیعی، حفظ بقایای باستان‌شناختی،

کیفیّت فضاهای ایجادشده بین بافت موجود و بنای جدید است. منظور از مصالح و رنگ، مصالح، بافت و پالت رنگی غالب، کیفیّت مواد جدید، کیفیّت نور و سایه، سلسله‌مراتب استفاده از مصالح بر جداره، رابطهٔ بین سازه و پوسته، و در نهایت منظور از جزئیات پاسخ به دتائل‌های متمایز بناهای اطراف، بازتفسیر مصالح جدید، ارتباط جداره‌ها، عناصر منظره با جزئیات مهم موجود، طراحی پنهان عناصر خدماتی مانند پنل‌های خورشیدی است (همان: ۱۳-۶).

نوشتار دیگری از سازمان میراث NSW با عنوان مکان‌گزینی بهتر؛ راهنمای طراحی در میراث (۲۰۱۹) نیز بر ضرورت حمایت آثار جدید از مکان و زمینه در کنار تداوم آن و پاسخ به نیازهای معاصر تأکید می‌کند. در این راهنمای طراحی آمده است که «هیچ رویکرد زیباشناختیِ همواره درستی وجود ندارد؛ طرح جدید در زمینهٔ تاریخی می‌تواند با تفاسیر و بیان‌های معماری متفاوت حاصل شده باشد که در نتیجهٔ آن برخی از معماران نیز ممکن است رویکرد بومی یا سنّتی داشته باشند و باقی معماران هم ممکن است به‌دنبال زیباشناسیِ معاصرتری باشند. هر دو رویکرد معتبر است. فارغ از سبک، احترام به ارزش بافت باید مبنای فرایند طراحی قرار داده شود. ...گروه طراحی باید اثری جدید را ارائه دهد که از اهمیّت مکان تاریخی حمایت و الزامات قانونی را برآورده کرده و بیان معاصر از رفاه و عملکرد را داشته باشد. ... اثر جدید باید لایهٔ دیگری به تاریخ بافت بدون حذف لایه‌های پیشین بیافزاید.» (۲۰۱۹: ۱۶). در بخش دوم این نوشتار آمده است که طرح خوب در زمان ساخت فارغ از مقیاس اثر از حفاظت تا الحاقات و تغییرات کوچک، ضروری است و باید شش هدف را برآورده کند: هدف اول، زمینه‌گرایی است؛ میراث بستری برای زندگی معاصر ایجاد می‌کند که جوامع را به گذشته وصل و به شکل دادن آینده کمک می‌کند. بناها و ساختارهای میراث و مناطق تحت‌حفاظت، کاراکتر مکان را می‌سازند. این، زمینه‌ای است که الحاقات جدید، پروژه‌های میان‌افزا و طرح‌های شهری باید با آن متناسب باشند. ضروری است که روابط شهری موجود درک، و از مداخلات سازنده و حساس به این موارد اطمینان حاصل شود. آثار جدید باید ارزش میراث را حفظ کنند و جایگاه میراث را در زمینه‌شان آشکار و تقویت کنند. ویژگی‌هایی که به میراث، کارکتر آن را می‌دهند باید به روشی حفاظت شوند که به قدیمی‌ها احترام گذارند. درحالی‌که نیازهای حال و آیندهٔ کاربر آن را نیز در نظر می‌گیرند. کاراکتر، مقیاس، فرم، مکان، مواد، رنگ و جزئیات همگی باید در نظر گرفته شوند. کاراکتر خاص یک بافت توسط عوامل بسیاری شکل می‌گیرد ازجمله: شکل طبیعی زمین، عناصر متمایز منظر، تاریخ و سبک ابنیه، مقیاس و فرم بناها، خیابان‌ها و الگوهای تقسیم‌بندی، عقب‌نشینی بناها، مصالح، فنون ساخت و جزئیات، دیدها، مناظر و خط آسمان. اثر جدید باید به کاراکتر مکان پاسخ دهد. طرح جدید در میراث باید با مقیاس غالب و دانه‌بندی محیط مرتبط باشد، باید به ارتفاع، حجم و تراکم احترام گذارد، این طرح، در حالت کلّی، نباید بالاتر از بناهای تاریخی اطراف باشد. راهبرد مناسب طراحی بهتر است شامل ترکیب مدولار عناصر تکراری مانند محل قرارگیری بازشوها، الگوها یا ستون‌ها باشد. فرم اثر جدید باید مطابق فرم غالب سایت باشد و این را نباید به معنای تکرار ساختار همسایه دانست؛ چراکه تجزیه‌وتحلیل دقیق زمینه و تفسیر آن، می‌تواند منجر به رویکردها و راه‌حل‌های متنوعی شود. هدف دوم، پایداری، سازگاری و دوام است. حفاظت و استفادهٔ مداوم از میراث، یک استراتژی مهم برای پایداری شهرهاست و انطباق باعث ادغام بناها در زندگی معاصر می‌شود. هدف سوم، ارتباط و تنوع و هدف چهارم، امنیّت و راحتی است، هدف پنجم، عملکرد و کارآمدی می‌باشد. ازآنجایی‌که انتظارات از بناها در طول زمان می‌تواند به طور چشم‌گیری تغییر کنند، برخی از میراث عملکرد خود را از دست می‌دهند. البته باید توجّه داشت که تغییرات به‌منظور استفاده از میراث می‌تواند باعث از بین رفتن ویژگی‌های فضا شود یا حتّی طول عمر آن را کاهش دهد. هدف ششم، ایجاد و افزودنِ ارزش‌هاست. طبق این هدف، اثر جدید باید به میراث احترام گذارد و آن را تقویت کند و به جای رقابت، مکمل آن باشد. افزودن جزئیات جدید می‌تواند باعث تفسیر دوباره بافت شود، روابط بین جدید و قدیمی ایجاد کند و نقش مثبتی در کاراکتر و اهمیّت مکان داشته باشد.

نوشتار دیگر طراحی بناهای میان‌افزای سازگار؛ اصول ساخت در بافت‌های تاریخی اورگان (۲۰۱۱) است که بیان می‌کند «واقعیّت این است که بیشترِ بافت‌های تاریخی به ساخت‌وسازهای جدید برای اعتبار اقتصادی، بهبود تراکم شهری و فعالیّت ... نیاز دارند.» (۲۰۱۱: ۳). براین‌اساس، هفت اصل برای طرح قائل است. اصل ۱، بافت جدید یک کل است و نه مجموعه‌ای از بخش‌ها. بنابراین به آن باید چنین نظر شده و از آن حفاظت شود. در این میان ساختارهای جدید باید از انسجام بافت حفاظت کرده و پاسخی به آن باشند. اصل ۲، ساختار جدید باید ارزش بافت را ارتقا دهد. بنای میان‌افزا باید مرتبط با کاراکتر اصلی بافت باشد و آن را تقویت کند، بر مبنای داستان بافت ازنظرِ طرح، منظر عملکرد، بیان فرهنگی و ... باشد. اصل ۳، ساختار جدید باید مکمل و حامی بافت ازنظرِ زیباشناسی باشند. اصل ۴، میان‌افزایی باید سازگار با بافت

باشد؛ بنای جدید به‌عنوان اثری مربوط به زمان خود باید قابل تشخیص باشد. بااین‌وجود، نباید بسیار متفاوت باشد؛ چنان‌که از پیرامون تاریخی‌اش منفک یا ازنظرِ بصری غالب باشد. در بافت تاریخی سازگاری مهم‌تر از تمایز است. ابزارهای ایجاد تمایز می‌توانند در کاربست مصالح، سیستم‌های مکانیکی، روش‌های ساخت و علائم وجود داشته باشند. اصل۵، پوشش بیرونی و الگوی بنای جدید، ویژگی‌های ساخت را منعکس کند. عناصر طرح میان‌افزا، الگوها، بافت و مصالح باید بازتاب زمینهٔ زیباشناختی و تاریخی باشند. اصل۶، بناهای موجود برای ساخت بنای جدید تخریب نشوند. اصل۷، از منابع باستان‌شناختی حفاظت شود. در حالت کلّی، بنای میان‌افزا باید باعث تثبیت بافت و بناهای اطراف شود یا حداقل اثری بر آن‌ها نداشته باشد. ولی نباید از تلاش برای متفاوت ساختن ترسید (همان: ۸).

یافته‌های پژوهش

موضع‌گیری مطرح در راهنماها و دستورالعمل‌های ملّی و منطقه‌ای به تفکیک ساختار رویکرد در سه سطحِ نگرش، راهبرد و روش توصیه شده و در جدول‌های ۱و ۲ ارائه شده‌اند.

جدول۱. موضع سازمان‌های ملّی در برابر افزودن معماری معاصر در بافت تاریخی

نام سند	سازمان	سال انتشار	مفاد سند	
معماری در زمینهٔ؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی	میراث انگلیس و CABE	۲۰۰۱	نگرش و راهبرد	امکان توسعه در کنار حفاظت، ارتقای کاراکتر بافت تاریخی
			روش	وابستگی صحّت روش به زمینه؛ توجّه به تاریخ و جغرافیای بافت تاریخی، الگوهای توسعه، دیدهای مهم، مقیاس بناهای هم‌جوار، کاربست مصالح و روش‌های ساخت باکیفیّت، ایجاد دیدها و ترکیب‌بندی‌های جدید.
به‌سوی شهر برتر در طراحی شهری و حفاظت		۲۰۰۲	نگرش و راهبرد	نگاه به بافت تاریخی به‌عنوان یک سرمایهٔ باارزش، ضرورت انتقال آن به نسل‌های بعدی، ضرورت تضمین ارتباط بافت با عصر معاصر.
			روش	توجّه به پایداری، اختلاط کاربری و تراکم، کیفیّت بالای طرح، شناخت زندگیِ هرروزهٔ کاربران بافت، خدمات مراقبتی، انسجام و مهارت و منابع.
سیاست‌ها و راهنمای اصول حفاظت؛ برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی	میراث انگلیس	۲۰۱۵	نگرش و راهبرد	مشروط بودن حفاظت از ارزش‌های بافت تاریخی به دوام آن، اجتناب‌ناپذیریِ تغییر و تطبیق‌ها در طول زمان.
			روش	نبود قاعده‌ای ساده، ضرورت وجود رابطه‌ای واضح میان اثر جدید و بافت، تغییر به شرط احترام به ارزش‌ها، قابل تمایز بودن تغییرات، تعیین درجهٔ تناسب براساس ارزش‌های زیباشناختی، ضرورت گردآوری اطلاعات کافی در مورد اثرات طرح بر بافت، عدم آسیب طرح پیشنهادی ازنظرِ مواد و مصالح، ارائه طرحی باکیفیّت.
بنای جدید در بستر تاریخی	میراث تاریخی اسکاتلند	۲۰۱۰	نگرش و راهبرد	ضرورت حفاظت از بافت تاریخی به‌عنوان یک سرمایه، امکان افزودن به ارزش‌های اجتماعی و اقتصادیِ آن که می‌تواند موجب تداوم حس مکان در نسل‌های حاضر و آینده شود.
بنای جدید در بستر تاریخی	میراث تاریخی اسکاتلند	۲۰۱۰	روش	عدم الزام تاریخی دیده شدن طرح جدید به‌منظور هماهنگی با بافت، ارزشمندیِ صداقت و اعتمادبه‌نفس در طرح‌های معاصر برای آیندگان، پاسخ به ساختار شهر، الگوی آن، تراکم و اختلاط کاربری، مقیاس، مصالح و جزئیات، منظر، دید، نشان‌های شهری و توسعه‌های تاریخی.

ادامه جدول ۱. موضع سازمان‌های ملّی در برابر افزودن معماری معاصر در بافت تاریخی

نام سند	سازمان	سال انتشار	مفاد سند	
حفاظت از میراث معماری؛ راهنمایی برای برنامه‌دهی	دپارتمان هنر و میراثِ دولت ایرلند	۲۰۱۱	نگرش و راهبرد	ضرورت توجّه به حفاظت در طرح‌های توسعه، برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار و مناسب.
			روش	توجّه به هماهنگی طرح با کارکتر بافت تاریخی، نمود، پالت رنگی مصالح و جزئیات، تناسب با عملکرد پیشنهادی با کارکتر بافت.
مصوبه درخصوص محدودهٔ تاریخی و تعیین رویکردهای کلّی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی-فرهنگی در تهیه سند واحد بافت‌های تاریخی- فرهنگی	ایران	شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	نگرش و راهبرد	تقویت و استمرار رابطهٔ همه‌جانبهٔ محدوده‌های تاریخی با کل شهر در کنار حفاظت از ویژگی‌های تاریخی-فرهنگی آن.
			روش	آسیب نرسیدن به یکپارچگیِ بافت تاریخی و بازشناسی ارزش‌های آن.

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

جدول ۲. موضع سازمان‌های منطقه‌ای در برابر افزودن معماری معاصر در بافت تاریخی

نام سند	سازمان	سال انتشار	مفاد سند	
طراحی در زمینهٔ؛ راهنمای توسعهٔ میان‌افزا در محیط تاریخی	میراث نیوولز جنوبی و RAIA	۲۰۰۵	نگرش و راهبرد	عدم ضرورت جلوگیری از توسعه به‌منظور حفاظت
			روش	وابستگیِ روش به شرایطِ بافت، لزوم تداوم در فرم‌های ساخته‌شده، اجتناب از تقلید در طرح بنای جدید، ارجاع به بستر در طرح آن از منظر کاراکتر، مقیاس، فرم، مکان‌گزینی، مصالح و رنگ و جزئیات.
راهنمای طراحی در میراث	میراث نیوولز جنوبی	۲۰۱۹	نگرش و راهبرد	ضرورت حمایت از میراث و ارزش آن‌ها درعین توجّه به نیازهای کاربران حال و آینده.
			روش	نبود هیچ روش مطلقاً درست؛ فارغ از سبک ضرورت احترام به بافت، احترام به زمینه، مقیاس، نقاط قوت و کاراکتر بافت، تناسب با زمینه، توجّه به مقیاس، فرم، مصالح، رنگ و جزئیات، دانه‌بندی محیط، امکان طرح فرم‌های جدید در صورتِ کمک‌کنندگی به فرم غالب منظر.
طراحی بنای میان‌افزای سازگار؛ اصول ساخت در بافت‌های تاریخی اورگان	سازمان حفاظت اورگان	۲۰۱۱	نگرش و راهبرد	ضرورت حفاظت از بافت‌های تاریخی با ارتقای اعتبار اقتصادی، تراکم و فعالیت در آن‌ها.
			روش	حفاظت از انسجام بافت تاریخی و پاسخ به آن، مرتبط با کاراکتر بافت و درراستای تقویت آن، توجّه به طرح، منظر، عملکرد و بیان فرهنگیِ بافت، تکمیل و حمایت از بافت باتوجه‌به ریتم زیباشناختیِ متأثر از توده، مکان‌گزینی و مقیاس، سازگاری با وجود تمایز ولی اولویت سازگاری بر تمایز، ایجاد تمایز با به‌کارگیریِ مصالح، سیستم‌های ساختمانی و روش‌های ساخت نوین، بازتاب زمینهٔ زیباشناختی و تاریخی در طرح جدید، اجتناب از طرح بنای جدیدِ مسلط بر بافت.

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

به جهت تلخیص موارد یادشده در اسناد در سطح نگرش، به نمایندگی از مضمون همگامی بافت تاریخی با زندگی معاصر، عملکرد فعّال در زندگی جامعه، همزیستی انسان و شهر، مفهوم بافت‌شهری‌انگاریِ بافت تاریخی یا بافت تاریخی به‌مثابهٔ بافت شهری قابل جایگزینی است. ازسویِ‌دیگر، مفهوم سندانگاریِ بافت تاریخی یا بافت تاریخی به‌مثابهٔ یک سند تاریخی به نمایندگی از مضمون نگاه به بافت به‌عنوان یک شاهد تاریخی و میراث به ارث رسیده است؛ این جایگزینی ازاین‌جهت پیشنهاد می‌شود که در این نگرش، به بافت تاریخی چون میراثی از دوره یا دوره‌های تاریخی نگاه می‌شود؛ میراثی که با تجسّم ویژگی‌های این دوره یا دوره‌ها، حاوی اطلاعاتی است که به ما رسیده است و باید به آیندگان منتقل شود. این زاویهٔ نگاه به بافت بسیار مشابه زاویهٔ نگاه به یک سند تاریخی است که حاوی اطلاعات تاریخی بوده و هرگونه مداخله در آن، خدشه زدن به سندیّت و قابلیّت استناد آن دانسته می‌شود. در سطح راهبرد اجتناب از تغییر به نمایندگیِ مفاهیم الزام یا ضرورت نگهداشت بافت تاریخی به همان شکل که هست، به کار برده می‌شود و ضرورت تغییر (معاصرسازی) کد معادل مفاهیم به‌روزسازی، همگامی بافت تاریخی با الزامات زندگی معاصر، انسجام با زندگی مردم، انعکاس ویژگی‌های معاصر، هم‌زیستی انسان و شهر، میراثی پیوسته درحال تکامل و شکل‌گیری، و وجودی پویا است. مدیریت تغییر نیز مضمون ایجاد تغییر به‌منظور همگامی با زندگی معاصرِ بدون ایجاد تغییر در ویژگی‌های بافت تاریخی را نمایندگی می‌کند. منظور از کل‌گرایی نیز، گرایش به کاربست الگوها و ویژگی‌های بافت تاریخی به‌مثابهٔ یک کل در طرح معماری معاصر به‌مثابهٔ جزء است. در سطح روش نیز، مفهوم هماهنگی تمامیِ مضامین مشابه؛ تناسب، انسجام، تداوم، یکپارچگی، سازگاری، احترام و پیروی را و همانندی با بافت تاریخی، مضمون طرح بنای در هماهنگی حداکثری؛ تقلید یا شباهت بالا با بناهای سنّتی و تاریخی را نمایندگی می‌کند. ازجانبِ‌دیگر، مفهوم نوآوری در ارجاع به مفاهیم ابداع و خلاقیّت به کار برده می‌شود (جداول ۳ و ۴).

بحث

بررسی اسناد نشان می‌دهد که در سطح ملّی، براساس تفکیک مکانیِ اسناد منتشرشده، در کشور انگلستان، دو سازمان میراث انگلیس و CABE، به‌ترتیب سه نوشتارِ معماری در زمینهٔ؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی (۲۰۰۱)، به‌سوی شهر عالی در طراحی شهری و حفاظت (۲۰۰۱) و سیاست‌ها و راهنمای اصول حفاظت؛ برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی (۲۰۱۵) را منتشر کرده‌اند. در سطح نگرش، آرای کمابیش مشابهی وجود دارد. هر سه سند به‌طور ضمنی یا آشکارا، بافت شهری را هم به‌مثابهٔ سند و هم به‌مثابهٔ بافت شهری دانسته‌اند. در این میان، به نظر می‌رسد براساس راهبرد مطرح‌شده در سند اول و دوم، اینکه با بافت تاریخی بیشتر سندانگارانه یا بیشتر بافت‌شهری‌انگارانه مواجهه شود نیز، خود، مشروط به ویژگی‌های بافت تاریخی است. به بیان دیگر، طبق این اسناد، بافت تاریخی در هر شرایط، هم سند و هم بخشی از شهر است؛ ولی در فرایند حفاظت از آن، بسته به شرایط، ممکن است یکی از این دو نگرش بر دیگری غالب آید. در سطح رویکرد، اجتناب از تغییر در کنار مدیریت تغییر مطرح شده است که در دو سند بسته به شرایط، به یک سمت می‌تواند بیشتر باشد. در سند اصول حفاظت، این شرط ارزش بافت تاریخی دانسته شده؛ به‌نحوی‌که هرچه ارزش بافت بیشتر باشد، اجتناب از تغییر ضروری‌تر است. در نوشتارِ معماری در زمینه، این خود بافت است که با آزمون راهبرد در آن، جهت‌گیری غالب را تعیین می‌کند. در سطح روش نیز، دو موضع قابل تفکیک است. موضع اول که در اسناد معماری در زمینه؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی و به‌سوی شهر عالی در طراحی شهری و حفاظت مطرح است، مشروط به شرایط به همانندی یا هماهنگی با بافت تاریخی توصیه می‌کند. به بیان دقیق‌تر، در این اسناد، اگر برخاسته از ویژگی‌های بافت تاریخی سندانگاری آن بر بافت‌شهری‌انگاری ارجح بود، برخاسته از ارجحیّت اجتناب از تغییر به همانندی توصیه می‌شود. این درحالی است که اگر بافت هم به‌مثابهٔ سند و هم به‌مثابهٔ بافت‌شهری مدّنظر قرار گرفت، برخاسته از ضرورت مدیریت تغییر، به هماهنگی با بافت تاریخی توصیه شده است. موضع‌گیری اخیر در سیاست‌ها و راهنمای اصول حفاظت؛ برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی نیز مطرح شده است. در این راهنمای طراحی، بافت تاریخی، در هر شرایطی، هم یک سند و هم بخشی از شهر است. ازاین‌رو، به هماهنگی با بافت تاریخی توصیه شده است. بنابراین ارجاع به بافت در هر سه سند مطرح است، در سند اول با بیان الزام توجّه به ویژگی‌های زمینه در قالب تاریخ، جغرافیا، دیدهای مهم، مقیاس بناهای هم‌جوار و مصالح مطرح شده است. در اصول حفاظت نیز این کار با ارجاع به ارزش‌های اسنادی، تاریخی، زیباشناختی و جمعی است که برخاسته از تفاوت ارزش‌ها، ارائه قاعده‌ای ساده را برای طراحی معماری معاصر در بافت تاریخی غیرممکن می‌سازد. بااین‌وجود در این سند، این ارجاع در معنای به‌کارگیریِ آن‌ها در طرح بنای معاصر به کار برده نشده است. این موضع خود را در طرح مفهومِ هم‌معنا با نوآوری؛ چون امکان ایجاد ترکیب‌های جدید و

جدول۳. کدگذاری موضع سازمان‌های ملّی در برابر افزودن معماری معاصر در بافت تاریخی

نام سند	سازمان	سال انتشار	مفاد سند		نظریهٔ غالب حفاظت شهری (بر اساس بحرینی و همکاران (۱۳۹۳))
معماری در زمینه؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی	میراث انگلیس و CABE	۲۰۰۱	نگرش	سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاری (بسته به شرایط یکی می‌تواند بر دیگری اولویت داشته باشد).	بازآفرینی اولیّه
			راهبرد	اجتناب از تغییر یا مدیریت تغییر (معاصرسازی) (بسته به شرایط یکی می‌تواند بر دیگری اولویت داشته باشد)، کل‌گرایی	
			روش	همانندی یا هماهنگی با بافت تاریخی، نوآوری مشروط	
به‌سوی شهر عالی در طراحی شهری و حفاظت		۲۰۰۲	نگرش	سندانگاری و بافت شهری انگاری	
			راهبرد	اجتناب از تغییر یا مدیریت تغییر (معاصرسازی) (بسته به شرایط یکی می‌تواند بر دیگری اولویت داشته باشد)، کل‌گرایی	
			روش	همانندی یا هماهنگی با بافت تاریخی، نوآوری مشروط	
سیاست‌ها و راهنمای اصول حفاظت؛ برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی	میراث انگلیس	۲۰۱۵	نگرش	سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاری	بازآفرینی پایدار
			راهبرد	اجتناب از تغییر در کنار ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی.	
			روش	هماهنگی با بافت تاریخی، تمایز بدون تقلید، تمایز بدون غلبه بر بافت.	
بنای جدید در بستر تاریخی	میراث تاریخی اسکاتلند	۲۰۱۰	نگرش	سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاری	
			راهبرد	اجتناب از تغییر در کنار ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی.	
			روش	هماهنگی با بافت تاریخی، نوآوری مشروط.	
حفاظت از میراث معماری؛ راهنمایی برای برنامه‌دهی	دپارتمان هنر و میراثِ دولت ایرلند	۲۰۱۱	نگرش	سندانگاری و بافت شهری انگاری	
			راهبرد	اجتناب از تغییر در کنار ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی.	
			روش	هماهنگی با بافت تاریخی	
مصوبه درخصوص محدودهٔ تاریخی و تعیین رویکرد های کلّی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی-فرهنگی در تهیه سند واحد بافت‌های تاریخی-فرهنگی	ایران	شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	نگرش	سندانگاری و بافت شهری انگاری	
			راهبرد	اجتناب از تغییر در کنار ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی.	
			روش	هماهنگی با بافت تاریخی	

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

متنوع، ترجیح طرح خلاقانه بر یک کپی از بنای تاریخی و ارزشمندیِ بیان معماری معاصر نیز نشان می‌دهد.

نظریه‌ای مشابه را می‌توان در سه سند بنای جدید در بستر تاریخی، حفاظت از میراث معماری؛ راهنمایی برای برنامه‌دهی و مصوبهٔ شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران نیز دید. در این اسناد نیز، بافت تاریخی هم به‌مثابهٔ سند و هم به‌مثابهٔ بخشی از شهر فرض گرفته شده، و ازاین‌رو، به رویکرد مدیریت تغییر به کمکِ ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی توصیه شده است. بدین منظور نیز روش پیشنهادی، هماهنگی با بافت تاریخی است.

بنابراین در سطح اسناد ملّی می‌توان دو موضع را هم‌راستا با نظریهٔ بازآفرینی تفکیک کرد ولی این تفکیک مشابه مورد اسناد سازمان‌های بین‌المللی نیست. در این سطح، منشور ونیز، منشور واشنگتن، منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری و منشور نیوزلند و منشور بورا، به‌طور مطلق و برای هر بافتی قائل به اولویت سندانگاری بر بافت شهری‌انگاری، و در نتیجه ارجحیّت اجتناب از تغییر بر تغییر هستند. بر همین اساس به همانندی با بافت تاریخی توصیه می‌کنند (اردبیلچی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۶). ولی در سطح ملّی، دو راهنمای طراحیِ معماری در زمینه؛ توسعهٔ جدید در مناطق تاریخی و به‌سوی شهر عالی در طراحی شهری و حفاظت، در نسبت با بافت تاریخی، طرح موضع کرده‌اند. در این اسناد، در برخی بافت‌های تاریخی باید قائل به اولویت سندانگاری بر بافت‌شهری‌انگاری بود و به همانندی با آن در طرح پیشنهادی توصیه کرد. در مورد برخی دیگر، ولی، نیازی به این اولویت‌بندی و در نتیجه توصیه به همانندی نیست. در این موارد، هماهنگی با بافت به‌منظور مدیریت تغییر برای حفاظت از سندیّت و دوام آن به‌عنوان بافت شهری کافی است. در موضع دوم، به‌طور کلّی، نگرش مبنا، سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاریِ بافت تاریخی است که به‌موجبِ آن به مدیریت تغییر بر مبنای کل‌گرایی توصیه شده است. بدین منظور نیز هماهنگی با بافت و در مواردی نوآوریِ مشروط در سطح روش پیشنهاد شده‌اند.

در هر دو موضع، روش و ارتباط توصیه‌شده، باتوجه‌به رویکرد و نگرش توجیه‌پذیر است. ولی، در مورد موضع اول، برای آن حالتی که به همانندی توصیه می‌شود، شرط هماهنگیِ حداکثری با بافت تاریخی، ارائه بنایی معاصر، و در نتیجه ایجاد تغییر به‌منظور معاصرسازی و دوام بافت به‌مثابهٔ بافت‌شهری را دشوار می‌کند. این مورد به‌شکلی دیگر برای حالت دوم در موضع اول، که به هماهنگی توصیه می‌کند و موضع دوم نیز، برقرار است. شرط هماهنگی با بافت و نوآوری به شرط هماهنگی و سازگاری، به ضرورت حفاظت از بافت تاریخی،

جدول۴. کدگذاری موضع سازمان‌های منطقه‌ای در برابر افزودن معماری معاصر در بافت تاریخی

نام سند	سازمان	سال انتشار	مفاد سند		نظریهٔ غالب حفاظت شهری (براساس بحرینی و همکاران ۱۳۹۳)
طراحی در زمینهٔ؛ راهنمای توسعهٔ میان‌افزا در محیط تاریخی	میراث نیوولز جنوبی و RAIA	۲۰۰۵	نگرش	سندانگاری و بافت شهری انگاری	بازآفرینی اولیه
			راهبرد	اجتناب از تغییر در کنار ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی.	
			روش	هماهنگی با بافت تاریخی	
راهنمای طراحی در میراث	میراث نیوولز جنوبی	۲۰۱۹	نگرش	سندانگاری و بافت شهری انگاری	بازآفرینی پایدار
			رویکرد	اجتناب از تغییر با ضرورت تغییر (معاصرسازی) (بسته به شرایط یکی می‌تواند بر دیگری اولویت داشته باشد)، کل‌گرایی.	
			روش	همانندی یا هماهنگی با بافت تاریخی.	
طرح میان‌افزا سازگار؛ اصول ساخت در بافت‌های تاریخی اورگان	سازمان حفاظت اورگان	۲۰۱۱	نگرش	سندانگاری و بافت شهری انگاری	
			رویکرد	اجتناب از تغییر در کنار ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی.	
			روش	هماهنگی با بافت تاریخی، تمایز بدون رقابت.	

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

موضع ایجاد تغییر در بافت به‌منظور دوام آن به‌مثابهٔ بافت شهری و همچنین بیان معاصر در طرح بنا را محدود کرده‌اند.

بررسی اسناد منطقه‌ای نیز نشان می‌دهد که اسناد منتشرشده ازسویِ سازمان‌های NSW و RAIA نگرش یکسانی را مبنا قرار داده‌اند. ولی در سطح رویکرد، درحالی‌که سند طراحی در زمینه به مدیریتِ تغییر توصیه می‌کند، راهنمای طراحی در کنار پذیرش تغییر آن را مشروط به شرایط می‌داند. براین‌اساس، برخلاف سند اول، که در هر حالت به هماهنگی توصیه می‌کند، سند دوم، بسته به شرایط، ارتباط مناسب را همانندی یا هماهنگی می‌داند. بااین‌وجود، هر دو سند توجّه به زمینه را مطرح کرده‌اند. سند اول در قالب مفهوم احترام به بافت و سند دوم در قالب مفهوم ارجاعِ به آن. به‌علاوه، هر دو سند به‌نوعی از نوآوری هم حمایت کرده‌اند. سند طراحی در زمینه با طرح پاسخ زمانِ خود بودنِ طرح در کنار تأکید بر منحصربه‌فرد بودنِ راه‌حل در هر مکان و سند راهنمای طراحی، به شرط عدم اولویت سندانگاری، با پیشنهاد طراحی فرم‌های جدید به شرط کمک به فرم غالبِ منظر.

در راهنمای طراحیِ "طراحی میان‌افزا سازگار؛ اصل ساخت در بافت‌های تاریخی اورگان" نیز، سندانگاریِ بافت تاریخی و بافت‌شهری‌انگاریِ آن توأمان مبنا قرار گرفته است. براین‌اساس، به مدیریت تغییر با ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی و به بیان دقیق‌تر به هماهنگی با آن توصیه شده است.

تمامیِ اسناد سطح منطقه‌ای نیز، هم‌راستا با نظریهٔ بازآفرینی بوده و در آن‌ها نگرش مبنا، راهبرد، روشِ توصیه‌شده را موجّه می‌کند. در این میان ولی، در رویکرد طراحی که مشروط به شرایط ممکن است قائل به ارجحیّت سندانگاری بر بافت‌شهری‌انگاری و اجتناب از تغییر بر ضرورت تغییر شود، محدودیّت‌های توصیه‌شده، بیان معاصر در طرح بنای جدید و ایجاد تغییر به‌منظور معاصرسازی بافت تاریخی را با هدف دوام آن به‌مثابهٔ بافت شهری دشوار می‌کند. این مورد برای موضع دوم بر مبنای شرط سازگاری و هماهنگی، به‌شکلی دیگر، صادق است؛ چراکه این دو شرط نیز امکان طرح بنایی معاصر، ایجاد تغییر و در نتیجه معاصرسازی بافت تاریخی را محدود می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعهٔ دستورالعمل‌ها و راهنماهای طراحیِ ملّی و منطقه‌ای، از این نظر که باتوجّه‌به شرایط، تصویر دقیق‌تری از رویکردهای طراحیِ مطرح توسّط سازمان‌های بین‌المللی را به دست می‌دهند و بخشی از بدنهٔ دانش موضوع‌اند، مهم است. براین‌اساس و باتوجّه‌به خلأ موجود در ادبیات موضوع، پژوهش حاضر معطوف به توصیف و توضیح مواضع سازمان‌های ملّی و منطقه‌ای در قالب نظریهٔ طراحی در بافت تاریخی می‌باشد. بدین منظور، اسناد در دسترس که محدود به چهار کشور ایران، ایرلند، انگلستان و اسکاتلند، و منطقهٔ نیوولز و اورگان هستند، مورد بررسی قرار گرفته و موضع هر سند، بر مبنای ساختار رویکرد طراحی در سه سطح نگرش، راهبرد و روش تفکیک، و براساس مضمون کدگذاری شد. مبتنی‌بر کدهای حاصل و به کمک مقایسهٔ تطبیقی نیز، صورت‌بندیِ رویکردهای طراحی به این نحو انجام شد که با تکیه بر نقاط اشتراک و تمایز، رویکردها گروه‌بندی و همچنین، به کمک مدل روش‌شناسی گروت (۲۰۱۳) چرایی آن‌ها توضیح داده شد.

این بررسی نشان داد که در حالت کلّی، در سطح سازمان‌های ملّی و منطقه‌ای، نگرش مبنا سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاریِ بافت تاریخی است که متأثر از آن در سطح رویکرد ضرورت اجتناب از تغییر برای حفاظت از سندیّت آن و ایجاد تغییر (معاصرسازی) برای دوام آن به‌عنوان بافت شهری، توأمان، مطرح است. بنابراین به مدیریت تغییر براساس ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی به‌مثابهٔ یک کل؛ کل‌گرایی، توصیه شده است. در این راستا، در سطح روش، به طرح‌های هماهنگ بر مبنای کل‌گرایی و امکان ارائه بیان‌های نوآورانه به شرط هماهنگی و سازگاری توصیه شده است. در این میان، سه سند، این موضع را به‌طور مشروط پیشنهاد کرده‌اند؛ بدین معنا که وابسته به شرایط، می‌توان برای بافت تاریخی قائل به اولویتِ سندانگاری بافت تاریخی بر بافت‌شهری‌انگاریِ آن و بالتبع ارجحیّت اجتناب از تغییر در برابر تغییر بود. بنابراین، ارائه طرحی همانند بناهای بافت مناسب‌ترین روش خواهد بود. این درحالی است که چنین روشی به‌شکلی، موجب سنّت‌گرایی و تاریخ‌گرایی در طراحی خواهد شد و این برای آنچه معماری معاصر خوانده می‌شود، می‌تواند مسئله‌برانگیز باشد؛ چراکه معماری معاصر تجسّم

اندیشهٔ انسان معاصر است؛ که در تقابل با انسان سنّتی مبدع، انقلابی و نوآور است (حقیر و کامل‌نیا، ۱۳۹۴؛ ۲۵). به همین دلیل، سنت‌گرایی و تاریخ‌گرایی، برای او موضوعیّت ندارد. این مسئله، کم‌رنگ‌تر، برای موضع اول نیز صادق است؛ به این شکل که توصیه به هماهنگی با ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی و نوآوری به شرط سازگاری و هماهنگی می‌تواند بیان معاصر در طرح معماری را محدود کند. این امر، خود بر معاصرسازی بافت تاریخی و ایجاد شرایط مناسب برای دوام آن به‌عنوان بافت شهری محدودیّت‌هایی ایجاد می‌کند. بنابراین، توجّه به معماری و معماری معاصر، در کنار حفاظت و بافت تاریخی، در نظریه‌های طراحیِ این‌دست از پژوهش‌ها ضرورت می‌یابد.

پی‌نوشت

1. English Heritage
2. CABE: Commission of Architecture and Built Environment
3. Historic Scotland
4. Proactive Services
5. Evidential Value
6. Historical Value
7. Aesthetic Value
8. Communal Value
9. NSW Heritage Office
10. RAIA
11. Restore Oregon
12. Sitting
13. Mass

فهرست منابع

- اردبیلچی، ایلقار؛ حقیر، سعید؛ مظاهریان، حامد و خاقانی، سعید (۱۴۰۳). مطالعه اسناد سازمان‌های بین‌المللی در تدوین رویکردهای طراحی میان بافت تاریخی در دوران معاصر. *نقش‌جهان*، دوره ۱۴ (۱): ۸۹-۶۶.
- اردبیلچی، ایلقار؛ حقیر، سعید؛ مظاهریان، حامد و خاقانی، سعید (۱۴۰۳). مقایسهٔ تطبیقی رویکردهای طراحی میان‌بافت تاریخی در پژوهش‌های مرتبط. *مطالعات معماری ایران*، دوره ۱۲ (۲۳): ۲۱۳- ۱۹۵.
- بحرینی، سیدحسین؛ ایزدی، محمدسعید و مفیدی، مهرانوش (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *مطالعات شهری*، دوره ۳ (۹): ۳۰- ۱۷.
- حقیر، سعید و کامل‌نیا، حامد (۱۳۹۴). **نظریه مدرنیته در معماری**. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۴). مصوبه ابلاغ محدودهٔ تاریخی ۱۶۸شهرکشور و تعیین رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی ـ فرهنگی در تهیه سندواحد بافت‌های تاریخی، https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1027119. بازیابی‌شده در ۲۱ اسفند ۱۴۰۱.
- شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۶). اصلاح مصوبه ۲۷/۷/۱۳۹۴ ـ ابلاغ محدودهٔ تاریخی ۱۶۸شهرکشور و تعیین رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی ـ فرهنگی در تهیه سندواحد بافت‌های تاریخی، https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1027119. بازیابی‌شده در ۲۱ اسفند ۱۴۰۱.
- عزیزی، محمدمهدی (۱۳۷۹). سیر تحوّل سیاست‌های مداخله در بافت‌های کهن‌شهری در ایران. *هنرهای زیبا؛ معماری و شهرسازی*، (۷): ۴۶-۳۷.
- نقوی، پویان (۱۳۹۸). **ابعاد، اجزای فیزیکی و مدل‌سازی فرایند معماری زمینه‌گرا**. رساله دکتری معماری اسلامی. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۵). **شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمّی**. ترجمه حسن دانائی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

- English Heritage (2015). *Conservation Principles Policies and Guidance for Sustainable Management of Historical Environments*. England: English Heritage.
- English Heritage and CABE (2001). *Building in Context; New Development in Historical Area*. England: Westerham Press.
- English Heritage and CABE (2001). *Moving toward Excellence in Urban Design and Conservation.* England: Westerham Press.
- Government of Irland (Department of Arts, Heritage and Gaeltacht) (2011). *Irland: Architecture Heritage Protection: Guidelines for Planning Authorities*. Irland: The Stationary Office.
- Groat, Linda and Wang, David, (2013). *Architectural Research Methods*. Second Edition. Wiley: USA.
- Historic Scotland (2010). *New Design in Historic Settings*. Scotland: Historic Scotland.
- NSW Heritage Office (2019). *Better Placed; Design Guide for Heritage*. Australia: NSW Heritage Council.
- NSW Heritage Office and The Royal Australian Institute of Architects (2005). *Design in Context; Guidelines for Infill Development in Historical Environment*. Australia: NSW Heritage Council.
- Restore Oregon (2011). *Compatible Infill Design; Principles for New Construction in Oregon's Historic Districts*. USA: Restore Oregon.
- The Getty Conservation Institute, (2015). *Contemporary Architecture in Historic Environment; An Annotated Bibliography, Edited by: Sara Lardinois, Ana Paula Goncalves*. Edited by Laura Matarese and Susan Macdonald. The Getty Conservation Institute: USA.